

أَنَا الْحَقُّ وَ خَدَاوَنَد جَاسْتِيسُ

وَالزُّ تِرَانْسُفُورْمَاسِيُونُ

آیا تِرَانْسُفُورْمِ ديوارها يادت هست؟ ياؤ...ياؤ... ديوارها هم تِرَانْسُفُورْمِ مِي شونند.

ديوارهايي در نظرم هست که شروع کردند به حرکت ، تغيير ، رِفُورْمُ ... آنها تِرَانْسُفُورْمَاسِيُونِ مرزهاي درون و برون آنها بودند. اين بود که خانه اي کوچک را فردا صبح سه خانه‌ی بزرگ جایگزین شده بود. می گویند مرگ حَقُّ است. حَقِّ حَقُّ گُفْتَنُ. تغيير آيا حَقُّ است؟ دو ديوارِ غير موازي در تغييرات خود رشد کردند و اين رُشْدُ آنها را با هم مَتَقَاطِعُ کرد و از فصل مشترک آنها امروز ستوني است که رازِ پا بر جايي دو ديوارِ قديمِ در آن است. به نظري من بيا آجرهاي ديوار را شمارش نکنيم به جاي آن مساحتِ ديوار کافي است. بَدا به حال ديواري که در تِرَانْسُفُورْمَشُ از درهاي فلزي رَدُّ شُد ، دَرِ فِلِيزِي ، فِلِيزُ است، مثل آيرون ، آيرونُ نَانْتِرَانْسُفُورْمِيبِلُ است، نمی خواهد ديوار بالا رود خَمِشُ پيدا کند ، قوس بگیرد ، کَمَانُ شود. لَعْنَتُ به دَرِ فِلِيزِي. آيا سْتُونِ هاي قديم خواهند افتاد؟ ياؤ...ياؤ... آنها ستونهاي قديمند ، ستونهاي قديم خواهند افتاد تا ديوارها قد بکشند. من برای من زياد از حالِ ديوارها ياد می کردم گاهي من برای من زياد از حالِ ديوارها ياد می کردم و من برای من زياد از حالِ ديوارها ياد می کردم اما گاهي من برای من زياد بودم.

نوید دزاشیبی

۹۱/۱۱/۱۸

۱۵:۲۲ شب